

## تحلیل چگونگی بازنمایی پدر در آثار براینی کمپبل (مورد مطالعاتی: پروژه پدر)

جواد امین خندقی / استادیار گروه ادبیات نمایشی، دانشکده هنر، موسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران.  
ملیکا مصدق / دانشجوی کارشناسی ارشد عکاسی، دانشکده هنر و معماری، موسسه آموزش عالی اقبال لاهوری، مشهد، ایران.\*  
mosaddegh.melika@gmail.com

### چکیده

بررسی بازنمایی یک امر در آثار هنرمند، راهی برای یافتن جهان زیسته و چشم انداز او به جهان است. براینی کمپبل در «پروژه پدر» به سراغ یکی از قشنگ‌ترین و هولناک‌ترین پروژه‌های کاری‌اش رفته است. او می‌خواهد آخرین دیدارها با پدرش را ثبت کند و در عین حال، پایان پدر را به تصویر می‌کشد که می‌تواند دردناک باشد. این پژوهش می‌تواند گامی در راستای تبیین سبک زیباشناختی کمپبل باشد و «پروژه پدر» را از این منظر واکاوی کند. بر این اساس، هدف این پژوهش، تحلیل چگونگی بازنمایی پدر در مجموعه بالا است. پرسش اصلی در این پژوهش عبارت است از اینکه چگونه پدر در پروژه پدر کمپبل بازنمایی شده است؟ در این نوشتار، پس از بیان مبانی نظری و معرفی کمپبل، عکس‌های «پروژه پدر» با تمرکز بر بازنمایی پدر و نقش عکاس به عنوان دختر او تحلیل می‌شود. این پژوهش به لحاظ ماهیت، کاربردی است. روش در این پژوهش، توصیفی و تحلیلی است. گردآوری اطلاعات با روش کتابخانه‌ای و مشاهده تصاویر است. روش تحلیل در این پژوهش کیفی است. نمونه‌گیری در این پژوهش با روش گزینشی است. ۱۰ عکس که در ارتباط مستقیم با موضوع نوشتار است، برای تحلیل انتخاب شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که این پروژه هم می‌تواند جنبه شخصی داشته باشد و هم می‌تواند به لحاظ زیباشناختی مطرح باشد. کمپبل در این پروژه هم نقش دختر را ایفا می‌کند و هم به پدرش می‌پردازد. عکس‌ها به دلیل این که در یک سیر روایی با یادداشت‌هایی همراه شده است، جذابیت و معنای متفاوتی یافته است. کمپبل تلاش می‌کند تا یکی از دردناک‌ترین مراحل زندگی‌اش را به زیباترین شکل به نمایش بگذارد، اما در این راه تلاش می‌کند تا ما را با واقعیت روبه‌رو سازد و همراه کند. پروژه پدر در نمایش روزهای پایانی پدر به صورت صریح و گاهی استعاری موفق است. شاید یکی از جنبه‌های زیبا بودن این مجموعه، روبه‌رو ساختن مخاطب با واقعیت عربان و بدون پرده است.

کلیدواژه‌ها: پدر، براینی کمپبل، بازنمایی، عکاسی.

## **Analysis of How the Father Is Represented in Briony Campbell's Works (Case Study: The Dad Project)**

**Javad Amin Khandaqi** / Assistant Professor, Department of Dramatic Literature, Faculty of Arts, Ferdous Institute of Higher Education, Mashhad, Iran.

**Melika Mossaddegh** / Master's student in photography, Faculty of Art and Architecture, Eqbal Lahoori Institute of Higher Education, Mashhad, Iran.\*

mosaddegh.melika@gmail.com

### **Abstract**

The examination of the representation of a stake in the artist's works is a way to find the world and its vision of the world. Briony Campbell went on one of the most beautiful and horrific work projects in "The Dad Project". She wants to record the last encounters with her father and at the same time, represents the end of the father, who can be painful. This research may be a step in explaining Campbell's aesthetic style and analyzing "The Dad Project" from this perspective. On this basis, the purpose of this research is to analyse how the father is depicted in the above collection. The major issue in this research is how the father is represented in Campbell's dad project. In this article, after stating the theoretical foundations and introducing Campbell, the photos of "the Dad Project" are analyzed, focusing on the representation of the father and the role of the photographer as his daughter. This research has a practical nature. The method of this search is descriptive and analytic. Data collection by library method and image review. The analytical method used in this investigation is qualitative. Sampling this search is a selective method. 10 directly related photos about the article were selected for analysis. This research shows that this project can have both a personal and aesthetic aspect. In this project, Campbell acted as both a daughter and her father. Pictures have a different appeal and significance because they are accompanied by notes in a narrative process. Campbell tries to show one of the most painful stages of his life in the most beautiful way, but in this way, she tries to make us face the reality and accompany us. The Dad Project succeeds in showing the father's last days explicitly and sometimes metaphorically. Maybe one of the beautiful aspects of this collection is to confront the public with bare reality without curtains.

**Keywords:** father, Briony Campbell, representation, photography.

## مقدمه

عکاسی یکی از مهم‌ترین هنرهای دوره مدرن به شمار می‌رود که می‌تواند راهی برای به نمایش گذاردن جهان باشد (Scruton, 1981). جهان می‌تواند جهان واقعی عمومی همه انسان‌ها باشد. همچنین می‌تواند جهان شخصی هر فرد باشد (Ishiguro, 2009). عکاس با بازنمایی (representation) خود، دیگری یا جهان اطرافش، چشم‌انداز و دیدگاهش از آن‌ها را بیان می‌کند (Snyder and Allen, 1975). براینی کمپبل (Briony Campbell) عکاس اهل انگلستان در «پروژه پدر» (The Dad Project) (۲۰۰۹)، روزهای پایانی زندگی با پدرش همراه با نوع واکنش خودش به عنوان دختر را به تصویر می‌کشد. این پژوهش می‌تواند گامی در راستای تبیین سبک زیباشناختی کمپبل باشد و «پروژه پدر» را از این منظر واکاوی کند. بر این اساس، هدف این پژوهش، تحلیل چگونگی بازنمایی پدر در مجموعه بالا است. پرسش اصلی در این پژوهش عبارت است از اینکه چگونه پدر در پروژه پدر کمپبل بازنمایی شده است؟ در این نوشتار، پس از بیان مبانی نظری و معرفی کمپبل، عکس‌های «پروژه پدر» با تمرکز بر بازنمایی پدر و نقش عکاس به عنوان دختر او تحلیل می‌شود.

## پیشینه پژوهش

جست‌وجوی پایگاه‌های اینترنتی و منابع موجود نشان می‌دهد که منبعی به عنوان پیشینه این پژوهش یافت نشد. تنها مطالبی پراکنده‌ای در برخی از تارنماهای اینترنتی در باره کمپبل یا پروژه پدر وجود داشت که قالب مقاله نداشت.

## روش پژوهش

این پژوهش به لحاظ ماهیت، کاربردی است. روش در این پژوهش، توصیفی و تحلیلی است. گردآوری اطلاعات با روش کتابخانه‌ای و مشاهده تصاویر است. روش تحلیل در این پژوهش کیفی است. نمونه‌گیری در این پژوهش با روش گزینشی است. ۱۰ عکس که در ارتباط مستقیم با موضوع نوشتار است، برای تحلیل انتخاب شده است.

## بازنمایی

نخستین بار، مفهوم بازنمایی توسط افلاطون (Plato) مطرح شد (Zistakis, 2018). در

دیدگاه افلاطون، بازنمایی به معنای «تقلید طبیعت» است، اما در طول زمان، این مفهوم تغییر یافته است. «بازنمایی نوعی دوباره بیان کردن و از نو به نمایش گذاشتن چیزی است. اگر یک مفهوم یا یک ابژه خارجی را در نظر بگیریم، بازنمایی آن در هنر، از نو به نمایش گذاشتن آن در قالب فرم هنری است. حال بسته به اینکه آن هنر چه باشد، این قالب متفاوت است» (غدیری، امین خندقی و چنگیز، ۱۴۰۱: ۶۶). منظور از بازنمایی در این نوشتار، از نو به نمایش گذاردن پدر در «پروژه پدر» کمپیل در قالب عکاسی است.

### بازنمایی در عکاسی

«بازنمایی در هنر عکاسی، خلاف نقاشی است. گولدمن در مقاله بازنمایی هنر خود می‌گوید: عکس‌ها به جای بازنمایی کردن اشیاء، آن‌ها را نمایش می‌دهند. خلاف نقاشی‌ها عکس‌ها قادر به نمایش کاراکترهای افسانه‌ای و غیر واقعی نیستند. به طور مثال، عکس کسی که نقش هملت را بازی می‌کند، عکس همان شخص است و نه عکسی از هملت. اما هنر نقاش ماهری قادر به خلق هملت خود است ... بر مبنای استدلال اسکروتون، رابطه میان عکس و موضوع آن، رابطه‌ای علی است. بدین معنا که عکس صرفاً ثبت شکل ظاهری موضوع هنگام عکس گرفتن است. به گمان اسکروتون، عکاسی (خلاف نقاشی) الزاماً فرایندی مکانیکی است. این امر به ویژه در مورد عکس‌های تفریحی مصداق بارزتری دارد. البته خود تولیدکنندگان دوربین عکاسی هم اغلب هنگام تبلیغ کالای خود بر همین عامل مکانیکی و علی عکاسی تأکید می‌کنند» (هاشمی، نتاج مجد و یوزباشی، ۱۴۰۰: ۸۹-۹۰).

این امر در باره موضوع این نوشتار، به این صورت معنا می‌یابد که عکس‌های کمپیل از پدرش همراه خودش، بازنمایی آن‌ها به معنای نمایش گذاشتن آن‌ها است. این امر چشم‌انداز و دیدگاه کمپیل در باره روزهای پایانی پدرش و نوع وابستگی خودش به این ماجرا را نشان می‌دهد.

### براینی کمپیل

براینی کمپیل، زاده لندن است و عکس‌های او به طور گسترده در مطبوعات بریتانیا و اروپا منتشر شده است. کمپیل به دلیل برنده شدن چندین جایزه بین‌المللی شناخته شده است (URL1). کمپیل در تارنمای شخصی‌اش بیان می‌کند که با استفاده از عکاسی و ویدئو

به دنبال این است که داستان‌هایی در مورد اینکه چه کسی هستیم و چگونه یکدیگر را درک می‌کنیم، بگوید. او برای مشتریان مختلف هنری، آموزشی، پژوهشی و نوآوری اجتماعی، تبلیغاتی، مستند، رویدادها و کمپین عکاسی و فیلمبرداری انجام می‌دهد. او همچنین پروژه‌های مشارکتی انجام می‌دهد (URL2).

طبق گفته خودش، او در شانزده سالگی، متوجه شد که بیشتر به سایه‌هایی که روی کتاب درسی می‌افتد، از میان برگ‌های بیرون پنجره اتاق خوابش، علاقه‌مند است. سوابق او در تلاش برای آموزش زبان انگلیسی و درک جهان درخور توجه است. او در بیست و یک سالگی، همزمان با روزهای دانشجویی، ساعت‌ها در تاریکخانه رنگی مشغول عکس‌ها بوده است. در اواسط دهه ۲۰ زندگی‌اش، عکاسی از نوزادان را تجربه می‌کند. او در عکس‌ها، شادی‌های بی‌پایان، ناامیدی‌ها و سازش‌ها را دنبال می‌کند تا در ۲۹ سالگی به مهم‌ترین لحظه زندگی‌اش می‌رسد؛ زمانی که از دوربینش بهره می‌برد تا با پدرش خداحافظی کند (در پروژه پدر) (URL2).

### پروژه پدر

«پروژه پدر» در گالری عکاسان به نمایش گذاشته شده است. طبق بیان خود کمپبل، این تلاش او برای خداحافظی با پدرش است. در ابتدا، ایده وارد کردن یک دوربین در این معادله، غیرقابل حل و غیرعقلانه به نظر می‌رسید، اما در نهایت، او راه‌حل را یافت. او در هشت ماه آخر زندگی پدرش، رابطه خود با پدرش را از طریق عکاسی و فیلم ثبت کرده است. در لحظه مرگ پدرش، نقش دوگانه او کاملاً مشخص بود (عکاس و دختر). در این مرحله، جدایی در کار نبود. براینی می‌خواست تمام جزئیات مربوط به پدرش، ثبت شود (URL1). این مجموعه عکس، با عنوان «پروژه پدر» در طول یک سال خلق شده است. این مجموعه شامل ۵۶ قطعه در سایز ۲۷ در ۲۰،۵ سانتی‌متر است.

### تحلیل آثار

در این نوشتار بر اساس عکس‌های ارایه شده در تارنمای شخصی کمپبل در «پروژه پدر» تحلیل صورت می‌گیرد (URL3). زیرنویس عکس‌ها که نوعی بیان روایی آن‌ها به شمار می‌رود نیز استفاده شده است. عکس‌ها به ترتیب روایت در اصل پروژه آمده است. در این

پژوهش، ۱۰ تصویر گزینش شده از این مجموعه تحلیل می‌شود.



تصویر ۱، (URL3) / متن تصویر: وقتی این اتفاق افتاد، عکاس نبودم، من یک دختر بودم. بعد از اینکه لیوان شکسته شده را جارو کردم، برای مدت طولانی مکث کردم، قبل از اینکه بتوانم از لکه میلک شیک عکس بگیرم. شاید من ثابت کرده بودم (به خودم یا والدینم؟ مطمئن نیستم که چه ضرورتی داشت) که قبل از عکاسی یک دختر بودم.

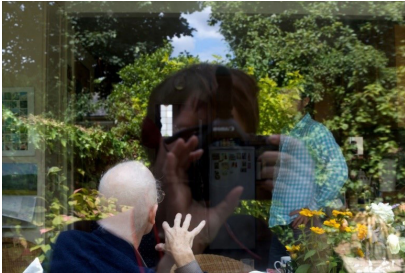
تصویر ۱، یکی از عکس‌های اولیه در ردیف روایی پروژه پدر است. در وهله نخست به نظر می‌رسد خون روی زمین پاشیده شده است، اما زیرنویس تصویر بیان می‌کند که ریختن یک میلک شیک روی زمین است. عکس به صورت افقی است. رنگ‌های در تصویر گرم هستند و بیشترین رنگ یک قهوه‌ای با طیف رنگی متفاوت است. قرار گرفتن لکه میلک شیک روی زمین حالت مورب دارد و این امر باعث شده لکه در نقطه طلایی تصویر قرار گیرد. به لحاظ استفاده از لنز و تجهیزات فنی، با یک وضعیت معمولی روبه‌رو هستیم. این عکس بیشتر بار معنایی در این مجموعه ایفا می‌کند. پروژه پدر بازنمایی فروپاشی و به پایان رسیدن پدر است. این عکس شروع این فروپاشی است و گویا جهان برآینی را به آشوب می‌کشد. برآینی در این تصویر بیشتر یک دختر است تا عکاس. لکه میلک شیک او را به آشوب کشانده است و از همین جهت، با یک عکس در سطح معمولی فنی روبه‌رو نیستیم. این عکس فریاد خاموش دختر برای پدر است.



تصویر ۲، (URL3) / متن تصویر: نشستن در باغ، تبدیل به یک رویداد شد، پس از روزها فعالیت، و در نهایت، فشاری که پدر برای آرامش ما تحمل کرد. یا برای دل‌داری خودش بود؟ من بی نهایت تعجب کردم، اما واقعاً هیچ تفاوتی وجود نداشت.

در پروژه پدر، تصویر ۲ دقیقاً پس از تصویر پیشین آمده است. بعد از فروپاشی، حالا نوبت سکون است. اما این آرامش لغزنده است. عکس باز هم افقی است. با آنکه شاید پدر با صورتش برای دختر/عکاس شناخته می‌شود، اما برآینی در این عکس بیشتر عکاس است و تمرکز بر پا

و عصا دارد که نمادی از ایستادگی و مقاومت پدر است. عصا روی زمین است. پدر می‌خواهد چیزی را به خودش یا دیگران اثبات کند. عکس به جز قاب‌بندی قابل تأمل، نکته در خوری در زمینه فنی ندارد. بازی سایه و آفتاب در عکس به اندازه کافی خودنمایی نمی‌کند. عکس یک سکون پس از تلاطم برای پدر است. اما سوال‌های براینی در ذیل عکس، نشان می‌دهد که این خود یک تلاطم نهفته است.



تصویر ۳، (URL3) / متن تصویر: پرتره خانواده

در سیر روایی پروژه پدر، تصویر ۳ پس از تصویر پیشین آمده است. پرتره‌ای که قرار است خانواده باشد، اما فقط سایه دختر، پدر پشت به تصویر و فردی که صورت مبهم دارد و برای ما شناخته شده نیست. عکس افقی است و تلاش شده بازتاب تصویر عکاس در تصویر باشد. براینی در این تصویر هم دختر است و هم عکاس. به لحاظ تکنیکی، این عکس بهتر از عکس‌های پیشین است. در میان شلوغی تصویر، در سایه عکاس، یخچالی وجود دارد که درب آن پر از عناصری است که شاید خاطره‌ها هستند. در عکس با سه زمینه و لایه در تصویر روبه‌رو هستیم. طبیعت پس‌زمینه عکاس، تصویر عکاس و تصویری که انسان‌ها و اشیاء پشت شیشه وجود دارد. این لایه‌های، لایه‌های زندگی پدر نیز هست. زندگی‌ای که پشت شیشه رفته، سایه‌هایی که از زندگی مانده و یک فضای مبهم که آینده‌ای نامعلوم دارد. این خانواده نمی‌توانند در یک پیک نیک چنین عکس یادگاری بگیرند. این تنها فرصت برای پرتره است؛ از پشت شیشه با سایه.



تصویر ۴، (URL3) / متن تصویر: بیهودگی ساعات بی‌پایان در بیمارستان، روح او را فرسوده کرد. اما، ما فقط متوجه آن شدیم، زیرا او را می‌شناختیم. در ظاهر، او همچنان به درخشیدن، بخشیدن و زندگی کردن ادامه می‌داد، زیرا او برای یاری رساندن زندگی کرد. و تا جایی که ممکن بود زندگی کرد.

تصویر ۴ در پروژه پدر، پس از چند عکس از بازی نور و خورشید آمده است. این اولین



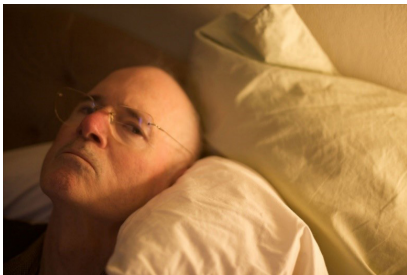
تصویر در مجموعه است که پدر را به طور واضح از روبه‌رو نشان می‌دهد. عکس افقی است و به لحاظ قاب‌بندی بسیار خوب است. قرار گرفتن پدر در پایین و راست تصویر، فضای بسیار خوبی تداعی کرده است. گوشه‌های عکس کمی سایه دارد و تمرکز بر سوژه اصلی است. ترکیبی از رنگ‌های گرم و سرد در عکس، نوعی کنتراست درست کرده است. پدر در حال خندیدن است و البته این خنده تلخ است. این خنده به خاطر عکاس/دختر است یا اینکه پدر به خودش امید می‌دهد. پدر طوری نشان می‌دهد که هنوز به پایان نزدیک نیست، اما شاید به این تصور اشتباه می‌خندد و آن را به هجو می‌کشد.



تصویر ۵، (URL3) / متن تصویر: من پایان را عکاسی کردم؛ پیش از آن که آن را ببینم.

در پروژه پدر، تصویر ۵ بلافاصله پس از تصویر قبلی آمده است. عکسی از پایان پدر که

حالا این پروژه را تاریک‌تر می‌کند. در این تصویر، همه چیز در حالت تیره و تاریک است. عکس افقی است و قایمی متفاوت از بقیه تصاویر دارد. در تصویر، پدر به سمتی می‌رود و گویی در فضا محو می‌شود. پدر رو به سوی پایان حرکت می‌کند. این عکس در این مجموعه یکی از موارد خاص است. به طور عمدی، فوکوس نیست و همراه متن زیر آن، یک فضای تاریک را به تصویر می‌کشد.



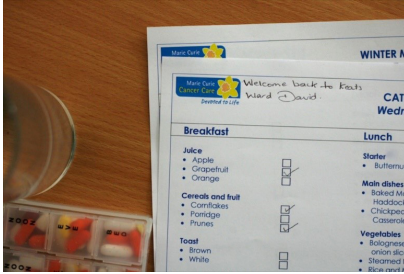
تصویر ۶، (URL3) / متن تصویر: فکر می‌کردم به زمانی که پدر به من می‌گوید که احساس می‌کند پایانش می‌آید.

در مجموعه تصاویر، تصویر ۶ پس از عکس

قبلی آمده است. عکسی از این که پدر خودش هم احساس می‌کند پایانش نزدیک است. عکس مانند دیگر تصاویر افقی است و نورپردازی متفاوتی دارد. رنگ‌ها در تصویر فضایی متفاوت ایجاد کرده است. براینی در این عکس، هم عکاس است و هم دختر. عکس روایتی از حس یأس و ناامیدی است که رنگ‌های شاد را از زندگی و هم از تصویر محو کرده است. حالت



چهره پدر در عکس بسیار متمایز از عکس‌های قبلی است. او به پایان رسیدن را حس کرده است و حتی پذیرفته است. در تصویر، هر چقدر به چهره پدر نزدیک‌تر می‌شویم، نور کمتر و تاریکی بیشتر می‌شود.



تصویر ۷، (URL3) / متن تصویر: به پایان خوش آمدید.

تصویر ۷ با فاصله یک عکس دیگر در پروژه پدر آمده است. تصویری که زندگی آینده پدر را به تصویر می‌کشد. تصویر افقی است و نور و تکنیک خاصی ندارد. این عکس به نوعی صحنه‌پردازی شده است و عناصری که در زندگی جدید پدر (پایان) نقش دارند را به نمایش می‌گذارد. دستور غذا و قرص‌ها تنها امور زندگی در دوره پایان پدر است. چینش اشیاء و برش قاب در تصویر هوشمندانه است. این امور راهی برای تحمل پایان است. راهی است که به آن سپری می‌شود.



تصویر ۸، (URL3) / متن تصویر: تلاش برای فکر کردن.

تصویر ۸ در پروژه پدر پس از چند تصویر بعد از تصویر قبلی می‌آید. تصویر درباره فراموشی پدر است. این عکس برخلاف مرسوم تصاویر مجموعه عمودی است، اما در پروژه با اضافه شدن کادر خاکستری، به حالت افقی به نمایش گذاشته شده است. پدر را از شانه فرد دیگری می‌دانیم. به نظر می‌رسد او فراموش کرده است و خودش را باخته است. حالا ابتدایی‌ترین



چیزها او را به چالش می‌کشاند. پدر کاملاً لاغر شده است و در حال نابودی است. آن‌چه انسان از گذشته‌اش می‌داند و حتی هویت او، همان خاطراتش است که حالا به ورطه فراموشی افتاده  
تصویر ۹، (URL3) / متن تصویر: من و پدر، بیست و پنجم اگست ۲۰۰۹.

است. عکس فروپاشی ذهنی را نشان می‌دهد که در کنار فروپاشی بدن رخ می‌دهد. عکس در نوع قاب‌بندی و انتخاب لحظه هوشمندانه است. برابری در این عکس بیشتر عکاس است. تصویر ۹، از آخرین تصاویر در پروژه پدر است. حالا دیگر پدر یک «مرده» است. دست زرد و بی‌رنگ پدر نشان از مردن او دارد. پدر پیش از این مرده بود و حالا دست او این امر را فریاد می‌زند. عکس به صورت افقی است و بازی رنگ و نور در آن فوق‌العاده است. تفاوت رنگ دست دختر و پدر در مقایسه با هم در کادری که چهارگوشه آن تاریک است. این شاید آخرین لحظه ارتباط دختر و پدر باشد. آخرین قاب دو نفره پدر و دختر. عکاس به سراغ دست پدر رفته است که شاید زمانی تکیه‌گاه دختر برای بلند شدن یا راه رفتن بود. دیدن صورت پدر هولناک است؛ حتی برای دختری که عکاس است. یک زیبایی دردناک نهفته در دست پدر وجود دارد. پایان اتفاق افتاد.



تصویر ۱۰، (URL3) / متن تصویر: من به عنوان پدر، ۱۹۸۶.

تصویر ۱۰، آخرین تصویر در پروژه پدر است.

حالا برابری خودش را به عنوان پدر می‌بیند. با

آن‌که به لحاظ تاریخی این عکس سال‌ها پیش از پروژه پدر عکاسی شده است، اما به لحاظ وجودی شاید بهترین جا برای آن، آخر مجموعه است. پدر پایان یافته است و آغاز دوباره آن در وجود دختر است. استعاره‌ای تناسخ‌گونه در این انتخاب و جای‌گذاری وجود دارد. برابری در این عکس، یک دختر است که حالا به عنوان پدر خودش را می‌بیند. عکس عمودی است و در این مجموعه گرفته نشده است و به لحاظ تکنیکی نیز شاید نکته قابل توجهی نداشته باشد، اما یکی از مهم‌ترین عکس‌های برابری در این مجموعه است. دختر در لباس پدر، خودش را پدر می‌بیند و این آغازی بر یک پایان است.

## نتیجه

بررسی بازنمایی یک امر در آثار هنرمند، راهی برای یافتن جهان‌زیسته و چشم‌انداز او به جهان است. برابری کمپیل در «پروژه پدر» به سراغ یکی از قشنگ‌ترین و هولناک‌ترین

پروژه‌های کاری‌اش رفته است. او می‌خواهد آخرین دیدارها با پدرش را ثبت کند و در عین حال، پایان پدر را به تصویر می‌کشد که می‌تواند دردناک باشد. این پروژه هم می‌تواند جنبه شخصی داشته باشد و هم می‌تواند به لحاظ زیباشناختی مطرح باشد. کمپبل در این پروژه هم نقش دختر را ایفا می‌کند و هم به پدرش می‌پردازد. عکس‌ها به دلیل این که در یک سیر روایی با یادداشت‌هایی همراه شده است، جذابیت و معنای متفاوتی یافته است. کمپبل تلاش می‌کند تا یکی از دردناک‌ترین مراحل زندگی‌اش را به زیباترین شکل به نمایش بگذارد، اما در این راه تلاش می‌کند تا ما را با واقعیت روبه‌رو سازد و همراه کند. پروژه پدر در نمایش روزهای پایانی پدر به صورت صریح و گاهی استعاره‌ی موفق است. شاید یکی از جنبه‌های زیبا بودن این مجموعه، روبه‌رو ساختن مخاطب با واقعیت عریان و بدون پرده است.

## منابع

- غدیری، پریسا؛ امین خندقی، جواد و چنگیز، سحر. (۱۴۰۱). «بازنمایی گرافیکی مضامین اجتماعی در پوستر فیلم‌های اجتماعی سینمای ایران (مورد مطالعاتی: فیلم‌های برگزیده جشنواره فجر سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۸)». *جلوه هنر*. ۱۴(۳). ۶۳-۷۴.
- هاشمی، سیدمحسن؛ نتاج مجد، عطیه و یوزباشی، طیبه. (۱۴۰۰). «شناسایی و بررسی هنر بازنمایی در عکاسی مفهومی». *دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی*. ۴(۴۱). ۸۴-۹۴.
- Scruton, Roger. (1981). "Photography and representation." *Critical Inquiry*. 7(3). 577-603.
- Snyder, Joel and Allen, Neil Walsh. (1975). "Photography, vision, and representation." *Critical inquiry*. 2(1). 143-169.
- Ishiguro, Kazuo. (2009). *An Artist of the Floating World*. Faber & Faber.
- Ziškakis, Alexander H. (2018). "Mimēsis–Imitation as Representation in Plato and his Modern Successors." *The Many Faces of Mimesis*. Sioux City, IA: Parnassos. 159-171.
- URL1: <https://oodec.net/books/briony-campbell-dad-project>, 19/1/2023.
- URL2: <http://www.brionycampbell.com/about>, 19/1/2023.
- URL3: [http://www.brionycampbell.com/projects/the-dad-project/#BrionyCampbell\\_0183-1000x665.jpg](http://www.brionycampbell.com/projects/the-dad-project/#BrionyCampbell_0183-1000x665.jpg), 19/1/2023.